

جامعه‌شناسی نظام استبدادی و جامعه مستبد

قسمت نخست



مظفر نامدار

حاج آقا نورالله، در تاریخ معاصر ایران مظهر روشن مبارزات مقدس ملت ایران برای دستیابی به استقلال، آزادی و نظام مبتنی بر عدالت اسلامی است که سرانجام، جان خود را فدای آزادی‌خواهی ملت ایران کرد. اما جفای تاریخی که از دیرباز تاکنون گریبانگیر برجستگان ملی ما بوده است امثال حاج آقا نورالله را هم بی‌نصیب نگذاشته است. هم نهضت سیاسی - اجتماعی حاج آقا نورالله در اصفهان و هم آثار نظری او درباره بنیادهای فلسفه سیاسی اسلام (به ویژه در رساله مقیم و مسافر) در زمره بزرگ‌ترین پدیده‌های علمی و عملی تاریخ سیاسی عصر مشروطه است که متأسفانه در سیر تاریخ‌نگاری معاصر ایران مورد غفلت و کوتاهی قرار گرفته است این مقاله به بهانه هشتادمین سالگرد نهضت شهید آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی و بازشناسی بنیادهای نظریه سیاسی او پرداخته است که قسمت اول آن تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.

حاج آقا نورالله، غیرت اسلام و شوکت ایران (مقدمه)

حاج آقا نورالله غرب را می‌شناخت بی‌آن‌که آن را به دیده ستایش بنگرد. حاج آقا نورالله می‌گفت: «نه مذهب استدلالی آگوست کنت و نه ایده‌آلیسم آلمان و نه مکانیسم انگلوساکسن‌ها، تشنگی روح ایرانی را سیراب نمی‌کند.» (موریس پرنو مستشرق فرانسوی)^۱ گرایش‌های دینی در انقلاب مشروطیت ایران اگرچه از جنبه سیاسی تحت تأثیر رهبری‌های مرحوم آخوند خراسانی

است، اما از جهت نظری و تئوریک تحت تأثیر متفکرینی چون میرزای نائینی، حاج شیخ فضل‌الله نوری و حاج آقا نورالله اصفهانی است. تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در عصر مشروطیت به دلایل زیادی به گونه‌ای با افکار و اندیشه‌های دو متفکر بزرگ این گرایش‌ها، یعنی شهید شیخ فضل‌الله نوری و میرزای نائینی کم و بیش آشناست؛ اما با وجود اهمیت افکار و اندیشه‌های حاج آقا نورالله اصفهانی در شکل‌گیری ارکان و عناصر اساسی نظریه مشروطه مشروعه، متأسفانه تاریخ‌نگاری‌های معاصر، جفای غیرقابل بخششی را نسبت به این متفکر مرتکب شده‌اند.

او در گستره وسیعی از افق تحولات سیاسی ایران، از دوران جنبش تحریم تا حکومت دیکتاتوری رضاخان، تجسم بارز مبارزات ملت ایران برای رسیدن به استقلال، آزادی و نظام سیاسی مبتنی بر باورها و اعتقادات دینی بود. در پایان این مبارزه شورانگیز، عارفانه جان شیرینش را فدای آزادی‌خواهی ملت ایران کرد.

آنچنان از تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران حذف شد که به جرات می‌توان ادعا کرد اگر به برکت پیروزی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران نبود، شاید نسل حاضر و نسل‌های آینده ایران دیگر هیچ‌گاه نام و یادی به نام حاج آقا نورالله اصفهانی نمی‌شنیدند.

گرانقدرترین اثری که غبار غربت را از چهره این عالم مجاهد تا حدودی زدود، کتاب محققانه «اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی» نوشته محقق توانای تاریخ معاصر ایران آقای دکتر موسی نجفی است؛ اما

وسعت افکار بلند و روح آزادی‌خواه این عالم متفکر گسترده‌تر از آن است که با یک یا دو اثر، حق مبارزات او را در تاسیس نظام مردم‌سالار دینی و مبارزه با مظاهر استیلاسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تفکر غربی و از همه مهم‌تر حذف نظام استبدادی از تاریخ ایران، بتوان ادا کرد.

قبل از اثر ذکر شده، مرحوم حسین مکی هم در جلد چهارم تاریخ بیست ساله ایران^۲ با اختصاص صفحاتی به نقش تعیین‌کننده حاج آقا نورالله، در مقابله با استبداد مطلقه مدرن رضاشاه، تلاش کرده بود یاد فراموش شده او را در سه دوره پرتلاطم و سرنوشت‌ساز تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران زنده نگه دارد؛ اما سلطه جریان غرب‌گرایی بر تار و پود نوشته‌های تاریخی ایران در عصر مشروطه و سرمستی این جریان از کسب امتیاز انحصاری تاریخ‌نگاری برای نسل‌های آینده، جرات و جسارت اندیشه کردن خارج از چارچوب‌های از پیش تعیین شده و ابطال ناپذیر را زنده کرد. تا اغلب مورخین، در سایه اسطوره‌ها و اساطیر نظام شاهنشاهی به پیشینه تاریخی و تکریم و تقدیس نظام استبدادی مطلقه مدرن بپردازند و کسانی که خارج از این چارچوب فکر می‌کنند، یا لب فرو بندند و یا قلم بشکنند.

قبل از حسین مکی، مرحوم سید اسدالله رسا روزنامه‌نگار مبارز و مقطوع‌النسل شده استبداد رضاخانی، پس از سقوط دیکتاتوری بیست ساله، در سال ۱۳۲۴ هـ. ش در روزنامه عرفان اصفهان، بخشی از خاطرات خود درباره جنبش بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی را به رشته تحریر درمی‌آورد.^۳ او تحت عنوان «حاج آقا نورالله،

مشروطه فرزند روحانی انگلستان بوده و باید چشم مردم ایران به جزیره بریتانیای کبیر دوخته شود و به یاد آن مهربانی‌های سابقه، منتظر معاونت آن ملت نجیب و آن دولت لیبرال باشند تا کی گوشه‌چشمی نشان داده و در «سفارتخانه‌ها و کونسولگری‌های انگلیس در ایران که یک قطعه خاک آزاد بودند، سنگ اساس حریت ایران گذاشته شد و ملت ایران را تا روز قیامت زیر منت تاریخی خود ببرد مشروطیت را فرزند روحانی خود قرار دهد».^۵

مروجان این گرایش معتقد بودند: «مشروطیت را در جاهای دیگر دنیا با زحمات چندین ساله اختراع کردند و اگر قرار باشد هر چیز اختراعی را از مأخذش بگیریم، باید با تمام جزئیات و آلات آن برداریم و گرنه کارآمد نخواهد بود. لذا دخالت عقل ایرانی را در اساس و ارکان نظامی که امتحان خودش را در جاهای دیگر دنیا پس داده بود، جایز نمی‌دانستند.

در رأس این جریان و پیشینه‌های تاریخی آن افرادی چون آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی، و بعدها در انقلاب مشروطه کسانی چون تقی‌زاده، دولت‌آبادی، سید جمال واعظ اصفهانی، میرزا نصرالله ملک‌المکلمین و بخش اعظمی از درباریان اروپا رفته، روزنامه‌نگاران، سفرا و فرستادگان حکومت قاجاری به اروپا،

خوبی نشان می‌دهد. رساله و افکار مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی در کنار ده‌ها رساله سیاسی دیگر، بخشی از تلاش‌های فکری متفکران مسلمان در مبارزه با نظام استبدادی و رژیم شاهنشاهی است و برای تأسیس یک نظام سیاسی مبتنی بر باورها و اعتقادات مردم ایران مفید واقع بوده است.

اهمیت این رساله وقتی بیشتر آشکار می‌شود که متوجه باشیم در همین دوران، مبارزات فکری و سیاسی جریان‌های داخل انقلاب مشروطه توجیهات متضاد و متناقضی از مفهوم تجدد و ترقی، آزادی و برابری، عدالت و مساوات و ده‌ها مفهوم دیگر به جامعه القا می‌کردند.

در یک طرف جریانی قرار داشت که وابسته به نظام قبیله‌ای، اشرافی و استبدادی قاجاریه بوده و به عنوان فرزندان خوانین، اربابان ایالتی، کارگزاران حکومتی، سفراء، خاندان‌های الیگارشیک و کسانی که ارکان نظام قاجاریه را اداره می‌کردند، نزدیک به چند دهه، تجدد و ترقی ایران را مترادف با گسستن از فرهنگ دینی و تعطیلی عقل ایرانی در مقابل مصنوعات عقل فرنگی می‌دانستند. آنها معتقد بودند ایران و ایرانی برای رسیدن به تجدد و ترقی باید درست خود را تسلیم آداب و عادات فرنگی کند.

در اندیشه‌ها و باورهای این جریان، نظام

روحانی بزرگ اسلام و ایران را چطور کشتند؟» مدعی می‌شود برای این که تاریخ، تاریک نماند، هر حقیقتی به پایان نرسد و چاپلوسان حقیقت حوادث تاریخی را به گونه‌ای دیگر ترسیم نکنند، سیاه را سفید، ستمگر را عادل، نادان را دانشمند، دانا و خائن را خدمتگزار و خادم معرفی نکنند و نویسندگان و شعرای درباری به خیال جلب رضایت عناصر قدرت و ارباب اقتدار و ایجاد هرج و مرج تاریخی و بوسه بر رکاب قزل ارسلان‌ها، وارونه‌نویسی تاریخی نکنند، موضوع قتل تأثرانگیز مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله را (که از نظر او پس از مرحوم مدرس مقام دومین شخص ممتاز سیاسی و روحانی شهرستان کهنسال و تاریخی اصفهان و ایران را داراست) به رشته تحریر درآورده است.

پس از تلاش‌های مرحوم رسا و مرحوم حسین مکی تا عصر انقلاب اسلامی، جامعه ایران از درک بخش مهمی از تاریخ خود محروم شد. هم از این رو و هم به دلیل اهمیت انقلاب مشروطه در پیشینه تاریخی تحولات سیاسی - اجتماعی دوران معاصر، در افکار و اندیشه‌های سیاسی او کنکاشی خواهیم کرد. بخش مهمی از این افکار به صورت مدون در رساله سیاسی، اجتماعی مکالمات مقیم و مسافر آن مرحوم در اختیار است.

رساله مکالمات مقیم و مسافر که در اوج مجادلات فقهی، کلامی، سیاسی موج دوم انقلاب مشروطه نوشته شده است، از این جنبه اهمیت دارد که پیشینه‌های تاریخی و تفکرات سیاسی مجتهدان شیعه را در تاسیس یک نظام سیاسی مبتنی بر شریعت در دوران معاصر، به



محمدعلی شاه قاجار و لیاخف در باغشاه

کارگزاران، خوانین بزرگ و ذی نفوذ در ولایات و ایالات و فرنگی مابان آن دوره قرار دارند. اینها بعدها پیکره اصلی رژیم مشروطه در پایان دوره قاجاریه و رژیم پهلوی را تشکیل می‌دادند. و این، همان جریانی است که دستاوردهای انقلاب مشروطه را تقدیم نظام استبدادی مطلقه مدرن رضاخانی کرد.

در مقابل این جریان، گروهی دیگر از متفکران مسلمان قرار داشتند که معتقد بودند: «مشروطه لباسی است به قامت فرنگستان دوخته که اغلب، طبیعی مذهب و خارج از قانون الهی و کتاب آسمانی هستند. این فرقه از فرنگیان که سپاس دین آیین ندارند. قهراً و بالضرورة ناگزیر از تاسیس... قانونی خواهند بود که اساس مملکت‌داری و سیاست‌گذاری و تنظیمات ملکیه و انتظامات کلیه و حفظ حقوق و نفوس‌شان، تحت آن قانون... باشند؛ والا حیات و زندگانی صورت نیندد بلکه مجبور از مشروطیت نیز خواهند بود. چرا که قانونشان و امر به احکام الهی و تبلیغ شخص مقدس رسالت پناهی نیست».^۷

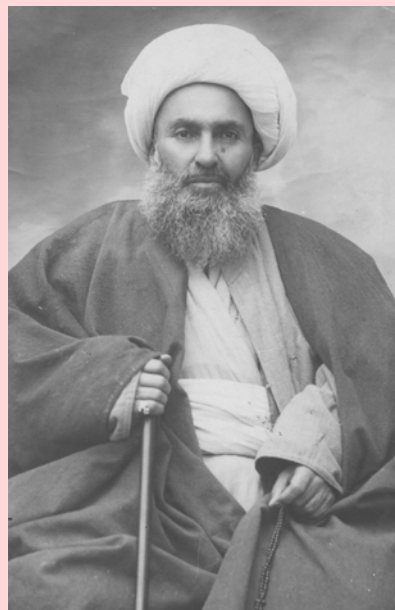
لذا معتقد بودند که پذیرش چنین مشروطه‌ای در ایران و بازتابی جز گسست نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران نداشته و نتایج مطلوبی به بار نخواهد آورد. در راس این جریان مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری قرار داشت.

شیخ فضل‌الله جدی‌ترین نقاد اندیشه مدرن و نظام سیاسی مشروطه در تاریخ تفکر دوران معاصر ایران است، معتقد بود که آزادی، استقلال، رشد و ترقی فقط در سایه اجرای احکام دینی که ریشه در اعتقادات، باورها و عادات مردم داشت، ممکن است. او نه تنها تعطیلی عقل ایرانی و تسلیم مطلق در برابر محصولات عقل فرنگی را خارج از دایره انصاف می‌دید، بلکه به دنبال این بود که با تفسیر سیاسی شریعت، یک روایت کاملاً دینی از انقلاب مردم ایران ارائه دهد.

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری و جریان همراه او، معتقد بودند که انقلاب ایران یک انقلاب

دینی و به «کوشش علمای اسلام و نواب عام امام زمان به وجود آمده است. بنابراین ممکن نیست که آثار پارلمنت پاریس و انگلیس بر آن مرتبت شود و قانون آزادی عقاید... و تغییر شرایط و احکام را از آن گرفت».^۸

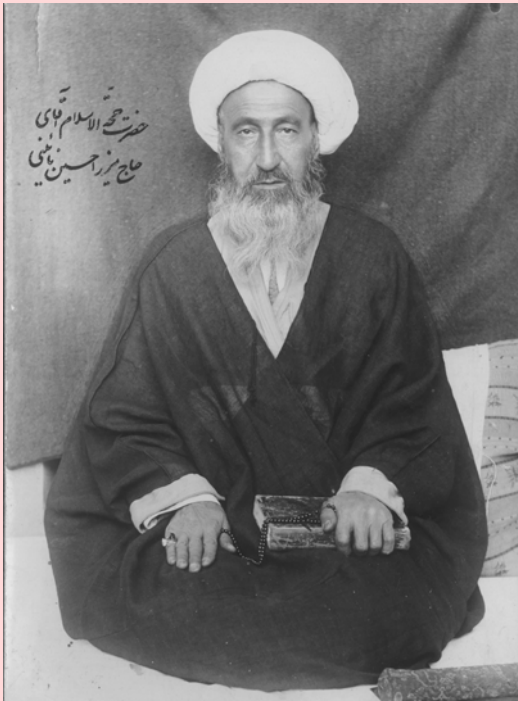
از دیدگاه او به دلیل فقدان ریشه تاریخی در غذای مشروطه اروپا دردی است بی‌دوا و جراحی است فوق جراح^۹ لذا او چنین نظامی را فاسد بر نظام فاسد شاهنشاهی می‌دانست. به عبارت دیگر مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نظام مشروطه را نظام استعماری می‌دید که از دیگ پلوی سفارت انگلیس بیرون آمده بود و در آن شرایط جامعه ایران، خطرناک‌تر از یک نظام استبدادی بود. بنابراین او نظام مشروطه را نظام فاسد و نظام شاهنشاهی را نظام فاسد می‌دانست و مدعی بود که به دلیل شرایط خاص تاریخی ایران، تبدیل یک نظام فاسد به یک نظام فاسد به هیچ‌وجه عاقلانه نیست.



نباید تصور کرد که این جریان با انقلاب مشروطه مخالف بود، بلکه از دیدگاه آنها آنچه به نام نظام مشروطه داشت جایگزین نظام استبدادی قاجاریه می‌شد، چیزی نبود که خواست عمومی مردم مسلمان ایران و تأمین‌کننده آرزوهای جامعه ایرانی در آن شرایط حساس باشد. مرحوم شیخ

و جریان وابسته به او در تفسیر تاریخی خودشان بین انقلاب که مرحله از هم‌پاشی نظم کهنه و نظام انقلابی که تأسیس نظم جدید بود، تفاوت قائل بودند. آنها با از هم‌پاشی نظام کهنه نه تنها مخالفتی نداشتند، بلکه خود از رهبران انقلاب بودند. با این حال اعتقاد داشتند که نظم جدید باید مبتنی بر باورها و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه باشد. و چون نظام مشروطه را معیار با این ارزش‌ها می‌دیدند، معتقد بودند که از هم‌پاشی نظم کهنه و جایگزینی این نظام جدید، دفع فاسد به فاسد است. در هر صورت مرحوم شیخ فضل‌الله با دلائلی که ذکر شد، به نقد ارکان نظام مشروطه پرداخت و در این نقد، جریانی را پایه‌ریزی کرد که در تاریخ به جریان مشروعه شهرت دارد.

در کنار این دو جریان یعنی مشروطه‌خواهان فرنگی‌مآب و مشروطه‌خواهان شریعت‌گرا، جریان سومی داریم که از اساس راه وسطی میان دو جریان غرب‌گرا و شریعت‌گرا بودند. در رأس این جریان مرحوم آخوندخراسانی قرار داشت که تحکیم نظام مشروطه مدیون حمایت‌ها و رهبری‌های اوست. انقلاب مشروطه در کنار رهبری‌های سیاسی آخوندخراسانی دو نظریه‌پرداز برجسته دیگر هم دارد. یکی مرحوم میرزای نائینی و دیگری حاج‌آقا نورالله اصفهانی است. نقش این دو نظریه‌پرداز از حیث سیاسی یکسان نیست، زیرا در آن دوران مرحوم میرزای نائینی در حلقه یاران آخوندخراسانی و زنه سیاسی مطرحی نبود، ولی بعدها یکی از فقهای بزرگ ایران می‌شود؛ اما حاج‌آقا نورالله اصفهانی عالم جاقفاده‌ای است که کوله بار سال‌ها مبارزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - از جنبش تحریم میرزای شیرازی تا انقلاب مشروطه - را در یکی از مراکز سیاسی فرهنگی ایران یعنی اصفهان برعهده دارد. بررسی جریان سوم، و نقش حاج‌آقا نورالله از این جنبه اهمیت دارد که نظام پیشنهادی آنها برای انقلاب مشروطه نه یک نظام مشروطه فرنگی است و نه یک نظام مبتنی بر حاکمیت فقها در کلیه ارکان یک نظام سیاسی. نظام



دفاع از نظام مشروطه مشروعه یا دولت قدر مقدور نوشته است، زیرا در این دوره ده‌ها رساله در دفاع از مشروطیت یا مخالفت با آن نوشته و می‌توان گفت که انقلاب مشروطه از این جنبه با توجه به شرایط فکری، سطح سواد اجتماعی، بافت سیاسی و فرهنگی جامعه و از همه مهم‌تر وضعیت نامناسب صنعت چاپ در نوع خود بی‌نظیر است.

آیت‌الله حاج‌آقا نورالله اصفهانی از آن جنبه اهمیت دارد که به عنوان مجتهدی مسلم و فقیهی سیاستمدار با سال‌ها تجربه سیاسی، ارکان و عناصر یک نظام سیاسی مبتنی بر شریعت را نوشته و با نگاهی فیلسوفانه و جامعه‌شناسانه ساخت و بافت جامعه و نظام استبدادی را موشکافانه نقادی کرده است.

منصفانه نیست اگر تصور شود نظریه سیاسی دولت قدر مقدور تحت تأثیر الگوهای غربی است. همچنان که نظام پیشنهادی حاج‌آقا نورالله یک نظام مبتنی بر شریعت است و...

برای درک اهمیت این بحث به بنیادهای اندیشه سیاسی حاج‌آقا نورالله اشاره می‌کنیم. رساله مکالمات مقیم و مسافر بر اساس مفاد

۲. ساده‌نویسی: زبان مقاله تنبیه‌الامه زبانی ثقیل و پر از تکلف است و فهم آن جز برای اهل علم و اهل فن برای مردم عامی بسیار مشکل است. در حالی که رساله مکالمات مقیم و مسافر به زبان فارسی سلیس و ساده و عامه‌فهم نوشته شده است.

۳. استعاره زبانی جذاب: استعاره زبانی رساله تنبیه‌الامه، مبتنی بر استعارات فقهی و کلامی، پیچیده و سنگین است و خواننده به راحتی از پس فهم این زبان و رابطه با متن بر نمی‌آید. در حالی که ادبیات و استعارات زبان رساله مکالمات مقیم و مسافر، مبتنی بر ادبیات و استعارات

داستانی و جذاب و خارج از تکلفات ادبی است و خواننده به راحتی با متن رابطه برقرار می‌کند.

۴. حضور تاریخی در مجادلات سیاسی: نویسنده رساله مکالمات مقیم و مسافر شخصیتی است که سال‌ها در کوران مبارزات سیاسی ایران حضور فعالی داشته و به صورت مستقیم با افکار و اندیشه‌های متناقض و مجادلات فقهی، کلامی، سیاسی از یک طرف و تنش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی موجود در ایران آن دوره از طرف دیگر آشناست. در حالی که نویسنده کتاب تنبیه‌الامه نه تنها در ضمیمه‌های سیاسی، اجتماعی ایران حضور مستقیم ندارد، بلکه سالهاست از صحنه اجتماعی و تحولات فرهنگی ایران نیز خارج شده است. بنابراین ما در رساله حاج‌آقا نورالله با مباحث عینی‌تری سر و کار داریم. یعنی نظام قدر مقدور حاج‌آقا نورالله یک نظام عینی و حقیقی است ذهنی نیست، مبتنی بر تحولاتی است که او آن را از نزدیک لمس می‌کند.

با این تفصیل می‌توان گفت که اهمیت حاج‌آقا نورالله و افکار و اندیشه‌های وی از آن جنبه نیست که او مانند میرزای نائینی رساله‌ای در

پیشنهادی این جریان یک نظام قدر مقدور در عصر غیبت است. این نظام معروف به نظام مشروطه مشروعه است. نظام قدر مقدور یا مشروطه مشروعه، نوعی تلاش برای همسازی دستاوردهای سیاسی غرب با شریعت اسلامی است. این که این نظام تا چه حد توانست در جامعه ایران تحقق پیدا کند، چندان مورد مجادله این مقاله نیست. آنچه که اهمیت دارد ارکان نظام مشروطه مشروعه به عنوان یکی از پیشینه‌های تاریخی نظام جمهوری اسلامی و نقش حاج‌آقا نورالله در نظریه‌پردازی این نظام است.

حاج‌آقا نورالله و «نظریه دولت قدر مقدور» و نظام مشروطه مشروعه

بخش اعظمی از افکار و اندیشه‌های نظریه «دولت قدر و مقدور» و نظام مشروطه مشروعه را باید در دو رساله سیاسی عصر مشروطه جست و جو کرد. یکی رساله «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» میرزای نائینی و دیگری رساله مکالمات «مقیم و مسافر» حاج‌آقا نورالله اصفهانی. اگرچه در تاریخ معاصر ایران به رساله مکالمات مقیم و مسافر توجه زیادی نشد و مورخین، رساله میرزای نائینی را اولین تلاش علمی و منسجم فقهای شیعه در حوزه سیاست دانسته‌اند، اما به جرأت می‌توان ادعا کرد که رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج‌آقا نورالله از زوایای سیاسی و اجتماعی، مزیت‌هایی بر کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله دارد که ضرورت بازشناسی آن به غنای پیشینه تاریخی حکومت دینی در ایران می‌افزاید:

۱. تقدم تاریخی: تاریخ نگارش و چاپ رساله مکالمات مقیم و مسافر بر اساس، شواهد تاریخی بر رساله تنبیه‌الامه... تقدم دارد. رساله مکالمات با توجه به مفاد آن، در ماه محرم سال ۱۳۲۷ هـ. ق به نگارش درآمد و در همین ماه نیز به چاپ رسید و در اختیار مردم قرار گرفت. در حالی که رساله تنبیه‌الامه در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۲۷ هـ. ق به نگارش درآمد و ما اطلاع دقیقی نداریم که آیا در همان ماه یا ماه‌های بعد از زیر چاپ خارج شد یا خیر.



داوری‌های پیشینیان در عصر حاضر نیست. و تجدد در چنین مفهومی به معنای انفکاک از گذشته؛ بلکه تداوم تجربیات مترکّم گذشته در حال و آینده است.

اگر هر پدیده‌ای از تاریخ خود، که گذشته آن پدیده است منفک شود، چیزی برای قضاوت و داوری و تجویز برای حال و آینده نمی‌ماند. بر همین اساس ماکیاولی در کتاب اول گفتارها می‌نویسد: «از یک سو می‌بینیم که مردمان برای آثار باقی‌مانده از روزگاران گذشته چه ارجی می‌نهند و مثلاً قطعه‌ای از مجسمه‌ای کوچک را به چه بهای گران می‌خرند و خانه خود را با آن می‌آرایند و هنرمندان را به تقلید از آن وادار می‌کنند و چگونه هنرمندان می‌کوشند در همه آثار خویش از خصوصیات آن تقلید کنند. از سوی دیگر می‌بینیم که کارهای بلند و حیرت‌آوری که به روایت تاریخ کشورهای پادشاهی و جمهوری روزگاران باستان، به دست فرمانروایان و سرداران و شهروندان و قانون‌گذاران انجام گرفته‌اند... بیشتر به چشم اعجاب نگریسته می‌شود و به ندرت مورد تقلید قرار می‌گیرد... این امر مرا به شگفتی می‌آورد و هم غمگینم می‌کند. مخصوصاً از این جهت که می‌بینیم مردمان برای حل و فصل اختلافات حقوقی شهروندان و معالجه بیماران به احکامی روی می‌آورند که پیشینیان صادر کرده‌اند و به

بر این که اول پیغمبری که قانون مشروطه را برای امت خود برقرار نمود حضرت خاتم‌الانبیا صلی‌الله علیه و آله است (رساله مکالمات... همان، صص ۵۱۲ و ۵۱۳)

در این تأویل، اولاً مشروطه‌طلبی به منزله بازگشت به اصول اولیه اسلام معنی شده است. ثانیاً چون ادیان اولین منادیان پابندی بشر به قوانین مدون و ضوابط منسجم در مقابل قدرت مطلقه سلاطین بودند و پیامبران، پایه‌گذاران قوانین اجتماعی در حیات بشری هستند، لذا مشروطه را که از نظر مفهومی همان پابندی به قانون و پرهیز از خودمحوری و خودکامگی تصور شد. نوعی بازگشت به اصول اولیه انبیا و ادیان تلقی می‌کند.

البته قبل از حاج‌آقا نورالله افرادی چون میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله نیز در رساله «یک کلمه»^۱ از زوایای دیگری تلاش کرده بود که اصول تجدد و ترقی‌فرنگستان و قوانین فرانسه را به نوعی با شریعت اسلامی سازش دهند؛ اما این سازش هیچ‌گاه به منزله بازگشت به اصول اولیه تلقی نمی‌شد. در حالی که در منطق حاج‌آقا نورالله بحث از سازش مشروطه با شریعت و انطباق دو مفهوم متضاد و متعارض خارج از هم نیست، بلکه بحث از یک مفهوم حقیقی است و این مفهوم حقیقی یعنی مشروطه و مشروطه یعنی پابندی به قانون و قانون یعنی شریعت. بنابراین مشروطه یعنی بازگشت مجدد به قانون شریعت که همان قانون مشروطه است. تجدد و ترقی با هر تفسیری از نظر حاج‌آقا نورالله به معنی استحاله در چنین قانونی است. ما چنین تعبیری را از مفهوم تجدد در میان متفکرین غربی نیز داریم. به عنوان نمونه می‌توان گفت اگرچه جامعه ایرانی نیکولو ماکیاولی را به صورت ناقص با کتاب «شهریار» می‌شناسد، اما ماکیاولی کتاب «گفتارها» یک سنت‌گرای متجدد است. برای این ماکیاولی، میراث به جامانده از گذشتگان میراثی نیست که با برچسب کهنه بودن و تعلق به گذشته داشتن به گوشه‌ای انداخته شود. در اندیشه او علم چیزی جز تراکم فتاوی و

آن، گفت و گویی است میان نمایندگان دو جریان سیاسی در عصر مشروطیت. در این گفت‌وگو حاجی مقیم تاجرکاشی از جنبه عقیدتی نسبت به نظام مشروطه، مردود و متزلزل به دنبال حل درگیری‌های ذهنی خود بین مشروطه و شریعت اسلام است. و میرزا مهدی (مهدی اسم اصلی حاج‌آقا نورالله)، مدافع حکومت مشروطه بوده و تلاش می‌کند با نوعی نگاه فلسفی و جامعه‌شناختی ماهیت نظام مشروطه و نسبت آن با شریعت اسلام را تبیین کند. ماحصل این گفت‌وگو، نظریه «دولت قدر مقدور» در دوران غیبت امام عصر است که حاج‌آقا نورالله چنین دولتی را در ارکان نظام مشروطه مشروعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و آن را همسان با جامعه آن دوران و مورد حمایت شرع می‌داند. بنیادهای اساسی این گفت‌وگو را می‌توان در اصول زیر مورد بحث و بررسی قرار داد.

۱. مشروطه، تجدد و بازگشت به اصول اولیه:

اگرچه تعابیر مشهور تجدد را مترادف با عدول از سنت و نفی گذشته تعریف کرده‌اند و این تعاریف و تعابیر از دوران بسط و گسترش افکار مدرنیته بر تار و بود اندیشه تجددطلبی حاکمیت داشته و دارد، اما در منطق رساله مکالمات مقیم و مسافر جایگاهی ندارد. حاج‌آقا نورالله در انطباق نظام مشروطه با شریعت اسلامی نه تنها این نظام را مغایر با شریعت تفسیر نمی‌کند، بلکه التفات به آن را نوعی بازگشت به اصول اولیه نیز تفسیر می‌نماید. حاج‌آقا نورالله در پاسخ به این اشکال مخالفان که می‌گفتند مشروطه دین جدید، پیامبر جدید و کتاب جدید است، می‌نویسد: «برای خیلی از شما این مطلب غریب است که می‌فرمایید مشروطه مطلب تازه و جدیدی است. اشتباه نشود بدانید این که مشروطه می‌گوید همان قانون و دستورالعمل حضرت خاتم‌الانبیا(ص) را می‌طلبد. امر حادث و تازه‌ای نیست، چون هزار و سیصد و چند سال است رفته‌رفته از بین رفته حالا که طلب تجدید آن را می‌کنند، خیال می‌کنند حادث و جدید است... بر تمام ملل و دول عالم معلوم است و تماماً و صریحاً متفقند

داروهایی توسل می‌جویند که پیشینیان به کار برده‌اند».^{۱۲}

در اینجا ماکیاولی چهره تاریخی قوانین و علوم را مورد تأکید قرار می‌دهد و به شدت با انقطاعی شدن علوم و قوانین مخالفت می‌ورزد و نتیجه می‌گیرد: «اگر نیک بنگریم قوانین مدنی چیزی جز احکام حقوقدانان روزگاران گذشته نیستند که تحت نظامی درآورده شده‌اند و راهنمایی دادرسان امروزی هستند و پزشکی چیزی نیست جز مجموعه تجربه‌های پزشکان اعصار گذشته که پزشکان امروزی راهنمای خود قرار داده‌اند».^{۱۳}

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که منطق حاج آقا نورالله در تبیین مفهوم مشروطه یک منطق تاریخی است. در نظر او مفهوم جدید مشروطه، نظام جدید و افکار جدید فقط در یک بستر تاریخی قابل دفاع است نه در انقطاع تاریخی از گذشته خود. در این منطق، هیچ پدیده‌ای بدون پشتوانه تاریخی و یکباره حادث نخواهد شد.

بسیاری از چیزهایی که در تصور ما حرف جدید یا مفهوم جدید تلقی می‌شود، در حقیقت به گونه‌ای منطق بازسازی شده دستاوردهای تاریخی، در مفاهیم و اشکال جدید است. مشروطه در اندیشه حاج آقا نورالله از این زاویه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مشروطه در این دیدگاه چیزی جز بیان مجدد قوانین شریعت در اشکال و مفاهیم تازه نیست. مشروطه مطلب تازه و جدید [نیست] اشتباه نشود بدانید این که مشروطیت همان قانون و دستورالعمل حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) را می‌طلبند، امر حادث و تازه نیست. نهایت چون هزار و سیصد و چند سال است رفته‌رفته از بین رفته، حال که طلب تجدید آن را می‌کنند، خیال می‌کنند حادث و جدید است».^{۱۴}

ماکیاولی در کتاب گفتارها علت اصلی غفلت متفکران، شهریاران و بزرگان هر ملتی را در درک این حقیقت تاریخی، ناشی از نقص تربیت دوران جدید می‌بیند و بدیهی است که در رأس این عیب بزرگ، فقدان شناخت واقعی تاریخ وجود

دارد. زیرا که مردمان هنگام مطالعه تاریخ، نه معنی واقعی آن را درمی‌یابند و نه آثار ناشی از آن معنی را احساس می‌کنند. به همین سبب کسان بی‌شماری که تاریخ می‌خوانند تنها از مطالعه گزارش وقایع گوناگون تاریخی لذت می‌برند، ولی هیچ در فکر تقلید از کارهای بزرگ گذشتگان نمی‌افتند چون چنین تقلیدی را نه تنها دشوار، بلکه محال می‌انگارند.^{۱۵}

این منطق تاریخی همان کمین‌گاهی است که بعدها بسیاری از متفکرین دوران تجدد و ترقی ایران را در کام خود برد؛ زیرا آنها مفهوم تجدد را گسست یکسره و بی‌قید و شرط از تاریخ گذشته تصور کردند و به ورطه ذهنی‌گرایی مطلق و تجویز راهکارهای متضاد و متناقض گرفتار شدند.

مرحوم حاج آقا نورالله مفهوم مشروطه را از این زاویه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و برای این مفهوم به دنبال پیشینه تاریخی در اندیشه و تفکر اسلامی می‌گردد. اگرچه ممکن است این اشکال را وارد دانست که عالم بزرگی چون حاج آقا نورالله یا سایر متفکران مشروطه مشروعه مثل آخوندخراسانی، میرزای نائینی و دیگران، شناخت جامع و کاملی از ماهیت تفکر مدرن غرب نداشتند و به دلیل همین

ناآشنایی ذات و ماهیت نظام مشروطه را که یک نظام غربی بود به درستی درک نکردند؛ اما نباید از انصاف دور بود که در آن شرایط جامعه ایران حتی کسانی که رسالت دفاع از مشروطه فرنگی و ترویج تفکر غربی را به عهده داشتند از مشروطه مورد نظرشان چیزی فراتر از آنچه مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت ارائه ندادند. یعنی درک آنها از حقیقت مشروطه درک جامع و کاملی از مدل غربی نبود. بدیهی بود که حاج آقا نورالله، شیخ فضل‌الله نوری و دیگر متفکران عصر مشروطه اگر نقدی به این مدل داشتند، مبتنی بر سطح مباحثی بود که

پیروان مشروطه فرنگی طرح می‌کردند. البته به نظر می‌رسد نقادی شیخ فضل‌الله نوری از ماهیت نظام مشروطه عمیق‌تر و دقیق‌تر بود، اما در هر صورت باید قبول کرد که مبشران افکار فرنگی سطح فهمشان از تجدد، ترقی، علم، تکنیک، پیشرفت، تمدن و سایر الفاظ جدید چیزی فراتر از قانون و مصنوعات تمدن جدید در حد تلگراف، تلفن، راه‌آهن، مترو، ساعت، عکاسی، لباس یکدست نظامی، انجمن آدمیت و روزنامه و غیره نبود. مادر این دوره طرح فلسفی و سیاسی



حسن تقی‌زاده

مشخص و عمیقی از متفکران غربی در جامعه ایرانی نداریم. در این جهت، اگر عیبی وجود دارد به علمای دین بر نمی‌گردد چون طرح و نقد تفکر غربی برای آنها اگر اهمیتی داشته باشد، اهمیت درجه چندم هست آنها مدافع تفکر دینی بودند و اگر قرار بود تفسیر جدیدی ارائه دهند این تفسیر مبتنی بر شریعت بود این نقص به کسانی برمی‌گردد که داد تبلیغ و نشر افکار و اندیشه‌ها و علم جدید را داشتند، اما فهم آنها چیزی فراتر از آنچه در جامعه ایران عصر مشروطه و دوران بعد عرضه کردند، نبود.

۲. جامعه‌شناسی نظام استبدادی و جامعه

مستبد: رکن دیگر رساله مقیم و مسافر را در تبیین نظریه دولت قدر مقدور باید در نقد حاج‌آقا نورالله بر ماهیت نظام استبدادی و مشروعیت آن در منطق شریعت جست و جو کرد. برخلاف آن که نظریه دولت قدر مقدور و نظام مشروطه مشروعه حاج‌آقا نورالله در ارکان خودش تحت تأثیر الگوی غربی مشروطه نیست، نقد او از جامعه و نظام استبدادی تحت تأثیر برداشت‌های دینی است. اهمیت این بحث از آن جهت هست که حاج‌آقا نورالله ماهیت و ذات نظام استبدادی را در دل یک جامعه استبدادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

از دیدگاه او نظام استبدادی، بازتاب زندگی سیاسی جامعه استبدادی است. چنین نظام و جامعه‌ای، هیچ سنخیتی با افکار و اندیشه‌های دینی ندارد. اهمیت و دستاورد بزرگ حاج‌آقا نورالله در این رابطه از آن جنبه است که او این رابطه ضروری میان ماهیت نظام سیاسی با جامعه سیاسی را از زمانی ترسیم می‌کند که مشهورات تاریخی به دنبال اثبات رابطه ضروری و تاریخی بین شریعت و نظام استبدادی بودند. حاج‌آقا نورالله در رساله مکالمات مقیم و مسافر، این رابطه را از اساس مورد تردید قرار می‌دهد و مدعی می‌شود که ظهور دین اسلام و بعثت پیامبر(ص) از همان ابتدا، ظهور در مقابل حکام و سلاطین مستبد و برای آزادی مردم از بند طواغیت و خودکامگان بوده است. چنین دینی چگونه می‌تواند با استبداد و خودکامگی پیوند ذاتی داشته باشد. هر کس از تواریخ و اخبار اطلاع داشته باشد می‌داند که قبل از بعثت آن حضرت تقریباً تمام عالم دارای سلطان و حاکم و قاضی و غیره بودند؛ ولی غالباً به طور مطلق بود و ابداً مقید به قانونی نبودند و هر چه بزرگتران حکم می‌کردند زبردستان اطاعت می‌کردند.^{۱۶}

به عبارت دیگر از دیدگاه حاج‌آقا نورالله تا قبل از ظهور ادیان و در رأس آنها دین اسلام، حکومتها جوامع مبتنی بر نظامهای استبدادی و فاقد قاعده و قانون بودند. قانون در زندگی بشر با ظهور

ادیان پیدا شد و تسری پیدا کرد. وقتی حضرت مبعوث شد عرض کردند شما پادشاهی؟ فرمودند من پیغمبرم یعنی از خودم امر و نهی ندارم و از جانب خدا پیغام آورده‌ام به مصداق «ما ينطق عن الهدی ان هو الا وحی یوحی» احکام من از خودم نیست از جانب خلاق عالم است که بالملازمه دلالت دارد بر این که چیزی اگر بگویم که مطابق با حکم و قانون خدا نباشد و از روی هوا باشد، اطاعت آن لازم نیست. چه من پادشاه نیستم، بلکه پیغمبرم و حکم دیگری را بر شما ابلاغ می‌کنم بعد از وفات آن حضرت تا سی سال هر وقت که می‌خواستند مسلمانان با خلیفه بیعت کنند، بیعت مشروطه می‌کردند و می‌گفتند... با تو بیعت می‌کنیم که اطاعت امر حکم تو را بنماییم مشروط به این که حکم تو مطابق با کتاب الله و سنت باشد. یعنی اگر تو از جانب خودت حکمی و امری بنمایی اطاعت نداریم. این است حقیقت سلطنت مشروطه و این قانون مشروطه از اول اسلام بود تا زمان معاویه... معاویه عنوان خلافت را به سلطنت مبدل کرد. یعنی بنا را بر این گذارد که احکام و راءی خود را چه مطابق با قانون باشد، چه نباشد، مجری دارد و سلطنت خود را مطلقه نمود والی زماننا...^{۱۷}

حاج‌آقا نورالله اگرچه نسبت ذاتی حکومت استبدادی با قانون شریعت و الگوی حکومت دینی را باطل می‌داند، اما نسبت تاریخی آن را از زمان معاویه به بعد تأیید می‌کند. او مانند یک فیلسوف سیاسی ارکان تفاوت این دو نسبت را مورد نقد قرار می‌دهد و اثبات می‌کند که جایگزینی یک مفهوم تاریخی به جای یک مفهوم عینی و حقیقی و دآوری نهایی پیرامون آن مبتنی بر منطق عقلی نیست. یعنی اگر الگوی حکومت توحیدی را به عنوان یک حقیقت مسلم در گوشه‌ای از تاریخ بپذیریم که تحقق پیدا کرده و ارکان این الگو در کتابی به نام قرآن که هیچ‌یک از فرقه‌های اسلامی در حقانیت آن تردیدی ندارند جمع‌آوری شده است. ملاک ما برای دآوری در خصوص حق و حقیقت و سعادت و درستی

عمل مسلمانان رجوع به آن حقیقت مسلم است نه آن حقیقت تاریخی. این نوع نگاه فیلسوفانه به ماهیت سیاست در شریعت انصافاً از شاهکارهای رساله ساده ولی عمیق مکالمات مقیم و مسافر می‌باشد. حاج‌آقا نورالله مانند یک فیلسوف سیاسی صاحب نظریه هم از جنبه عقلی و هم از جنبه تاریخی الگوی حکومت مشروطه مورد نظر خودش را تفسیر می‌کند. مشروطه مورد نظر او اگرچه از نظر لغوی دارای اشتراک لفظی با مفهوم مشروطه اروپایی است، اما از جهت مفهومی و ساختاری هیچ شباهت و سنخیتی با آن ندارد. تصویر حاج‌آقا نورالله از مشروطه مشروعه تصویر مبهمی نیست. اگرچه ممکن است راه‌کارهای کاربردی در تحقق چنین مشروطه‌ای در نوشته‌های او ارائه نشده باشد. اما حاج‌آقا نورالله در مرحله نظری تا حدود زیادی از عهده تبیین کارکردها و ساختار نظریه سیاسی خود برآمده است. او الگوی نظام ایده‌آل خودش را به خوبی ترسیم می‌کند. و این کاری است که همه فیلسوفان سیاسی به اعتبار این که امکان تحقق مدل‌های آرمانی آنها وجود ندارد هیچ‌گاه از تبیین نظریه و ترسیم ایده‌آل‌های خود باز می‌مانند. مضاف بر این که در نوشته‌های حاج‌آقا نورالله مشخص است که وی نظام مشروطه مشروعه و دولت قدر مقدور را یک مدل اتوپیاپی نمی‌داند. بلکه آن را نظامی می‌داند که در یک دوره‌ای از تاریخ متحقق شده و بدیل عینی دارد. استناد به آیات و روایات و تحقق تاریخی حکومت مشروطه مشروعه بهترین دلیل برای این مدعاست.

حاج‌آقا نورالله از دوران جنبش تحریم تا حکومت دیکتاتوری رضاخان، تجسم بارز مبارزات ملت ایران برای رسیدن به استقلال، آزادی و نظام سیاسی مبتنی بر باورها و اعتقادات دینی بود.

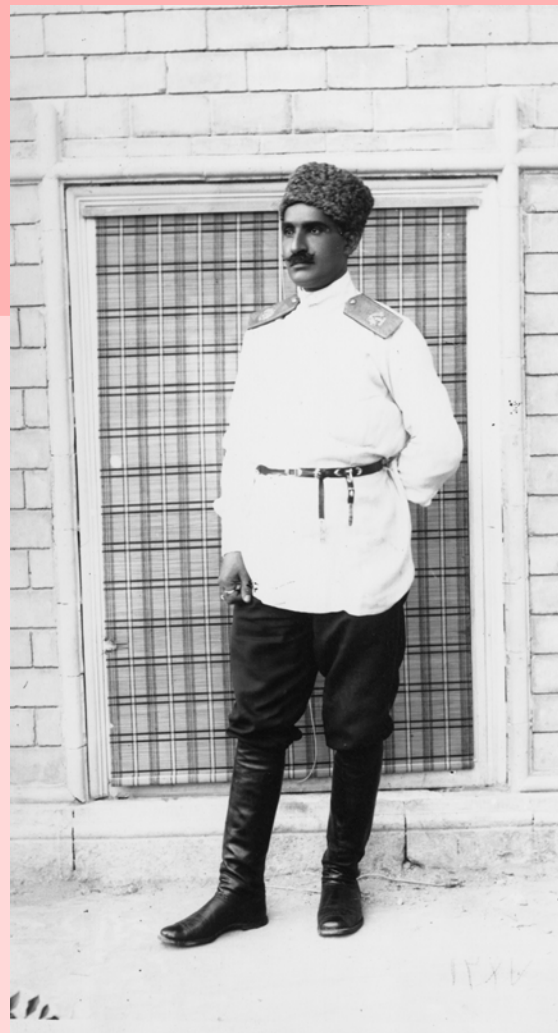
گرانقدرترین اثری که غبار غربت را از چهره این عالم مجاهد تا حدودی زدود، کتاب ارزنده «اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج‌آقا نورالله اصفهانی» است.

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نظام مشروطه را

تصویر مبهمی نیست. اگرچه ممکن است راه کارهای کاربردی در تحقق چنین مشروطه‌ای در نوشته‌های او ارائه نشده باشد.

از دیدگاه حاج آقا نورالله نظام استبدادی، بازتاب زندگی سیاسی جامعه استبدادی است چنین نظام و جامعه‌ای هیچ سنخیتی با افکار و اندیشه‌های دینی ندارد.

نظام استعماری‌ای می‌دید که از مطبخ سفارت انگلیس بیرون آمده بود و در آن شرایط جامعه ایران، خطرناک‌تر از یک نظام استبدادی بود. بنابراین او نظام مشروطه را نظام افسد و نظام شاهنشاهی را نظام فاسد می‌دانست و مدعی بود که به دلیل شرایط خاص تاریخی ایران، تبدیل یک نظام فاسد به یک نظام افسد به هیچ‌وجه عاقلانه نیست
تصویر حاج آقا نورالله از مشروطه مشروعه



۱. موریس پرنو، زیر آسمان ایران، به نقل از موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران، بی‌تا، ۱۳۶۹، صص ۴۲ و ۴۳.
۲. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، جلد چهارم، آغاز سلطنت دیکتاتوری پهلوی، نشر ناشر، تهران، ۱۳۶۱.
۳. خاطرات و اسناد سیاسی مرحوم سیداسدالله رسا، پیرامون ۵۰ سال فعالیت سیاسی در دوره رضاخان و محمدرضا پهلوی توسط نگارنده در دست تحقیق است که به زودی توسط مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به چاپ می‌رسد. این خاطرات از جنبه شناخت دقیق تر ماهیت سیاست، حکومت و فرهنگ در دوران پهلوی خواندنی است.
۴. اوراق یازتاب، مشروطیت و نقش تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۰۳.
۵. اوراق تازه‌یاب...، همان، ص ۱۰۳.
۶. نطق تقی‌زاده، روزنامه مجلس، دوشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، شماره ۱۳۱.
۷. روزنامه شیخ شهید، ۴ رجب ۱۳۲۵.
۸. لوائح آقاشیخ فضل‌الله نوری، به کوشش همارضوانی، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲. ص ۴۳.
۹. همان.
۱۰. رساله مکالمات مقیم و مسافر، به نقل از: موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران، چاپ اول ۱۳۶۹، بی‌تا، ص ۵۱۱. این کتاب مجدداً در سال ۱۳۷۸ توسط مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران چاپ مجدد شده است و آنچه در مقاله، از این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است مربوط به چاپ اول می‌باشد.
۱۱. میرزا ایوسف‌خان مستشارالدوله، یک حکم، به کوشش صادق سجادی، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۴.
۱۲. نیکولو ماکیاولی، گفتارها، ترجمه محمدحسن لطفی، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۶.
۱۳. ماکیاولی، همان، ص ۳۶.
۱۴. مکالمات... همان، ص ۵۱۴.
۱۵. ماکیاولی، گفتارها، ص ۳۶.
۱۶. مکالمات... همان، ص ۵۱۵.
۱۷. مکالمات... همان، ص (۵۱۵).